

Iran's Legislative Criminal Policy Towards School-Based Prevention  
of Delinquency

Iman Mohammadi Faresani<sup>1</sup>

Received: 29 January 2025

Mahmood Malmir<sup>2</sup>

Reception: 25 Marchy 2025

Mahmood Ashrafy<sup>3</sup>

Masoud Heidari<sup>4</sup>

Abstract:

This article, titled "Iran's Legislative Criminal Policies for School-Based Prevention of Delinquency," provides a comprehensive analysis of Iran's criminal policy for preventing delinquency in educational settings. Focusing on the school environment and utilizing educational and social capacities, this research seeks to provide scientific and practical solutions to reduce delinquent behavior among students. In this regard, the research analyzes the causes and factors affecting delinquency, the role of the family, school, and other social institutions in preventing this phenomenon, and examines preventive policies that can be effective in reducing delinquency among children and adolescents. This research shows that delinquency at these ages occurs not only due to personality and psychological reasons but also due to social and environmental influences, including school, family, and peer groups. On the other hand, this thesis points to the lack of comprehensive and practical delinquency prevention programs in Iran and believes that existing policies, especially after the enactment of the Child and Adolescent Protection Law, need further review and revision in order to be able to effectively prevent delinquency among children and adolescents. Finally, the present study, by providing practical suggestions for the development and implementation of prevention policies at the educational and judicial levels, emphasizes the importance of paying attention to the psychological and social needs of children and adolescents and attempts to provide the necessary scientific basis for making structural changes in delinquency prevention programs.

---

1 PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

2 Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

3 Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Law, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran

4 Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Law, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.503260.1242>

## سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال پیشگیری مدرسه محور از بزهکاری

ایمان محمدی فارسانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

محمود مالمیر (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

محمود اشرفی<sup>۳</sup>

مسعود حیدری<sup>۴</sup>

### چکیده

این مقاله تحت عنوان "سیاست های جنایی تقنینی ایران در قبال پیشگیری مدرسه محور از بزهکاری" به تحلیل جامع سیاست جنایی ایران در قبال پیشگیری از بزهکاری در محیط های آموزشی می پردازد. این پژوهش با تمرکز بر محیط مدرسه و استفاده از ظرفیت های آموزشی و اجتماعی، در پی ارائه راهکارهای علمی و کاربردی برای کاهش رفتارهای بزهکارانه در بین دانش آموزان است. در این مسیر، پژوهش به تحلیل علل و عوامل مؤثر بر بزهکاری، نقش خانواده، مدرسه، و سایر نهادهای اجتماعی در پیشگیری از این پدیده پرداخته و سیاست های پیشگیرانه ای را بررسی می کند که می توانند در کاهش بزهکاری در بین کودکان و نوجوانان مؤثر باشند. این پژوهش نشان می دهد که بزهکاری در این سنین نه تنها به دلایل شخصیتی و روانشناختی بلکه به دلیل تاثیرات اجتماعی و محیطی از جمله مدرسه، خانواده، و گروه های همسالان رخ می دهد. از سوی دیگر، این رساله به کمبود برنامه های جامع و کاربردی پیشگیری از بزهکاری در کشور ایران اشاره دارد و بر این باور است که سیاست های موجود، به ویژه پس از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، نیاز به بررسی و بازبینی بیشتری دارند تا بتوانند به شکل مؤثری در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان عمل کنند. در نهایت، پژوهش حاضر با ارائه پیشنهاداتی عملی در زمینه تدوین و اجرای سیاست های پیشگیری در سطح آموزش و پرورش و قضایی، بر اهمیت توجه به نیازهای روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان تأکید می کند و تلاش دارد زمینه علمی لازم برای ایجاد تغییرات ساختاری در برنامه های پیشگیری از بزهکاری را فراهم کند.

**کلمات کلیدی:** آموزش و پرورش، بزهکاری، پیشگیری، مدرسه مدار، دانش آموز، نوجوان

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

<sup>۳</sup> استاد یار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

<sup>۴</sup> دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

از اولین روزهای شکل‌گیری جوامع و زندگی اجتماعی افراد، بزهکاری<sup>۱</sup> نیز وجود داشته است. با توجه به اینکه بزه<sup>۲</sup> یک مفهوم انسانی-اجتماعی بوده و بدون تصور جامعه، علی‌الاصول تصور بزه منتفی است، وابستگی مفهوم بزه به ارزش‌های اجتماعی و عرف فهمیده می‌شود. نظر به تغییرات اجتماعی در طول زمان، بزهکاری نیز از چهار هزار سال پیش تاکنون از نظر مفهومی تغییرات گسترده‌ای یافته است (Regoli, 2008: 315). اصطلاح بزهکاری نوجوانان بسیار گسترده است و شامل اعمالی می‌شود که از تخلفات وضعیتی تا رفتارهای خشونت‌آمیز را در بر می‌گیرد و توسط یک کودک یا نوجوان انجام می‌شود. در کشور ایران تعریف کودک و نوجوان متفاوت است ولی در کشور آمریکا عبارت juvenile در اکثر ایالت‌ها برای اشخاص بین ۱۰ الی ۱۸-۱۷ سال به کار می‌رود. بزهکاری اطفال و نوجوانان<sup>۳</sup> یا ارتکاب تخلف از سوی اطفال و نوجوانان<sup>۴</sup> عبارت است از شرکت در رفتارهای غیرقانونی به عنوان یک فرد صغیر یا فردی کمتر از سن قانونی قانونی. (Siegel & Welsh, 2011) در ایالت متحده آمریکا اصطلاح "بزهکار نوجوانان" از اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ سرچشمه گرفت، زمانی که رفتار با مجرمان نوجوان و بزرگسال مشابه بود و مجازات‌ها شدیدتر از جرم بودند. (May, 1973: 7). در ایالت متحده آمریکا به طور خاص، بزه‌های نوجوانان اغلب در چهار دسته کلی قرار می‌گیرند: جرایم وضعیتی (فرار، نقض مقررات منع رفت و آمد، فرار از مدرسه، نوشیدن الکل)، جرایم مصرف مواد (استفاده/فروش/توزیع مواد غیرقانونی)، جرایم مالکیتی (شکستن و ورود، دزدی) و جرایم خشونت‌آمیز و افراد (اقدامات مربوط به قربانیان انسانی یا حیوانی). ولیکن در سیاست جنایی کشور ایران چنین تقسیم‌بندی‌ای وجود ندارد. بزهکاری نوجوانان پیامدهای اساسی برای قربانیان، مجرمان و به طور کلی برای سلامت عمومی دارد. با تداوم مشکل بزهکاری، پزشکان، سیاست‌گذاران و محققان به دنبال درک موثرترین راه‌ها برای پیشگیری از بزهکاری بوده‌اند.

برخی از مؤثرترین برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری مبتنی بر مدرسه و تغییر در عوامل خطر و حفاظتی خاص هستند. از این رو بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری متمرکز شده است. با توجه به پیدایش و توسعه مفاهیمی همچون قلمروی کیفی، اقدامات پیشگیرانه، اقدامات پیشگیرنده، مدیریت خطر، کنترل بزهکاری و غیره در سیاست جنایی کشورهای مختلف و علی‌الخصوص پذیرش این موضوع که مسأله‌ی بزهکاری

<sup>1</sup> Delinquency

<sup>2</sup> Delinquency

<sup>3</sup> Juvenile delinquency

<sup>4</sup> juvenile offending

و بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان نیازمند خط‌مشی‌گذاری جنایی افتراقی (تدوین یک سیاست جنایی متمایز و افتراقی و به تعبیر متخصصین حقوق عمومی تبعیض روا در سیاست‌گذاری) است.

در سال‌های اخیر پیشرفت‌های هیجان‌انگیزی در زمینه پیشگیری از مدرسه وجود داشته است. با این حال، این پیشرفت‌ها، خود مسائل جدیدی را در بهبود اثربخشی برنامه و توسعه مدل مؤثر برای اجرا، انتشار و پایداری ایجاد می‌کنند. در طول دهه گذشته، پیشرفت‌های قابل توجهی در پیشگیری از مدرسه رخ داده است، از جمله افزایش در تعداد و وسعت برنامه‌های مبتنی بر شواهد (Gottfredson & Wilson, 2003; Greenberg et al., 2001) ادبیات رو به رشدی در مورد پیاده‌سازی مدل‌های مبتنی بر شواهد (Dane & Schneider, 1998)، و توسعه مدل‌های مدرسه - جامعه برای انتشار مؤثر پیشگیری (Hawkins et al., 2002; Spoth et al., 2004) از آنجایی که برنامه‌ها و سیاست‌های مؤثر در معرض چالش ترجمه از علم به عمل گسترده قرار می‌گیرند، نیاز به ادغام بیشتر با مدارس و جوامع برای ایجاد فرآیندها و ساختارهایی وجود دارد که اجرای با کیفیت بالا و ارتقای پایداری را تضمین کند. تردیدی وجود ندارد که پیشرفت‌های بیشتر در توسعه و به‌کارگیری شیوه‌ها و سیاست‌های پیشگیری مؤثر با مدارس و جوامع، مستلزم همکاری بسیار بیشتری باشد که در آن محققان از مریبان بیاموزند و بالعکس. به موجب نظریات جرم‌شناسی این شخص با برچسب بزهکار و منحرف جذب خرده‌گروه‌های بزهکار شده و به یادگیری فرایند ارتکاب جرم خواهد پرداخت. از همین رو پیشگیری از ارتکاب جرایم در اطفال و نوجوانان مهمتر از پیشگیری از ارتکاب جرایم در خصوص بزرگسالان جلوه می‌کند و به همین دلیل نیازمند سیاست‌گذاری جنایی افتراقی است. یکی از اقدامات مثبتی که در کشور ایران انجام شده است تدوین قانون مربوط به حمایت از اطفال و نوجوانان به عنوان مقررهای مبتنی بر سیاست جنایی افتراقی و تبعیض روا در عرصه‌ی پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان است. پیشگیری از جرم در این اشخاص نیازمند همکاری نهادهای مختلف اجتماعی از جمله خانواده و مدرسه می‌باشد. هرچند پیشگیری از ارتکاب جرم در جامعه‌ی خارج از مدرسه از اهمیت بیشتری برخوردار است اما نشانه‌های خطرناکی نوجوانان را می‌توان با غربال مناسب در مدرسه مشاهده کرد. از این طریق با یک برنامه‌ریزی اصولی و صحیح و یک سیاست‌گذاری جنایی در کاربست اقدامات پیشگیرانه یا پیشگیرنده می‌توان از بزهکاری مزمن کودکان و نوجوانان در خارج از مدرسه و همچنین در بزرگسالی مقابله کرد. عوامل بزهکاری در اطفال و نوجوانان متعددند و شناسایی این عوامل و زمینه‌های بروز آنها حائز اهمیت

است. پیش از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که هسته‌ی مرکزی و تقنینی سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود، مطالبی در مورد پیشگیری مدرسه محور نگارش و تقریر شده است. که در این پژوهش‌ها به مفهوم‌شناسی پیشگیری مدرسه محور از بزهکاری

با توجه به اینکه امروزه عوامل شخصی و محیطی علی‌الخصوص فضای مجازی تأثیر بسزایی بر روی بزهکاری اطفال و نوجوانان و ایجاد مجرمین مزمن در بزرگسالی دارد، توجه به سیاست‌گذاری‌ها و اجرای سیاست‌ها در فضای مدرسه باید در اولویت برنامه‌های پیشگیری کشور ایران قرار گیرد. اما این موضوع نیازمند توجه همه‌جانبه به سیاست جنایی موجود در این زمینه و همچنین توجه به ظرفیت‌های قانونی، قضایی، اجرایی، اجتماعی و مشارکتی می‌باشد. به همین منظور بررسی سیاست جنایی کشور ایران در وهله‌ی اول از اهمیت به سزایی برخوردار است. همچنین با توجه به شکست تفکرات مربوط به عدالت مطلق و اصالت سودمندی و پیدایش تفکرات جدید همچون مدیریت‌گرایی کیفری، عدالت پیشگیرنده، مدیریت خطر و غیره، سیاست‌های خاص پیشگیرانه و پیشگیرنده‌ی متعددی در کشورهای سراسر دنیا در حال تدوین و اعمال است. پس از بررسی وضعیت مربوط به سیاست جنایی کشور ایران باید بررسی گردد که آیا امکان کاربست این سیاست‌ها در وضعیت فعلی ایران وجود دارد یا خیر؟ پیامدهای کاربست این خطوط مشی چیست؟

**جایگاه کودک و نوجوان در حقوق کیفری، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری**

یکی از موضوعاتی که امروزه در مباحث غیرفنی حقوق کیفری و به طور کلی‌تر علوم جنایی از جمله جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد، مسأله‌ی اجتماع‌پذیر کردن، قانون‌پذیر کردن یا اجتماع‌پذیری قانونی کودکان و نوجوانان می‌باشد. (Fagan & Tyler, 2005: 217) از آن‌جا که دانش‌آموزان در کشور ایران علی‌الاصول در محدوده‌ی سنی هفت الی هجده سال قرار دارند، این موضوع شامل وضعیت کلیه‌ی دانش‌آموزان خواهد شد. اینجا است که مدرسه از اهمیت دوچندانی در خصوص وضعیت اجتماع‌پذیری و قانون‌پذیری کودکان دارد.

همچنین مطالعات جامعه‌شناختی، روانشناختی و جرم‌شناختی در مورد رشد کودکان و نوجوانان از جمله مطالعات مربوط به وضعیت بلوغ روانی اجتماعی<sup>۵</sup>، خلق و خو<sup>۶</sup> و شناخت<sup>۷</sup>، نشان می‌دهد که تفاوت در مسیرها و رویه‌های رشد

<sup>5</sup> psychosocial maturity

<sup>6</sup> temperament

<sup>7</sup> cognition

کودکان و نوجوانان، پیش درآمدهای رفتار ضد اجتماعی، بزهکاری و سایر رفتارهای مشکل ساز است. ( Lahey et al., 2003; Rutter et al., ) (1998; Steinberg and Cauffman, 1996) بدین معنا که تفاوت در مسیرها و رویه‌های رشد کودکان و نوجوانان در محیط‌های خانواده، مدرسه و جامعه موجب می‌شود که یک شخص مرتکب رفتارهای ضداجتماعی، بزه یا جرم بشود یا نشود.

مهمترین شاخه‌ای که در علم جرم‌شناسی و حقوق کیفری به بررسی مسائل مربوط به بزهکاری اطفال و نوجوانان و به تبع آن بزهکاری دانش‌آموزان می‌پردازد، جرم‌شناسی رشدمدار است. این رشته از جرم‌شناسی ظرف دو دهه‌ی گذشته به علت ویژگی‌های منحصر به فرد آن و توجه جامعه‌ی جهانی به موضوع پیشگیری از جرم و بزهکاری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و در حال رشد و شکوفائی است. ( Blokland & Nieuwebberta, 2010: 52) محققان در این رشته به دنبال یافتن مؤلفه‌هایی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ضمن تأثیرگذاری بر روند تغییر رفتار در فرایند رشد کودکان، نوجوانان و دانش‌آموزان، از شکل‌گیری رفتارهای منحرفانه در حال حاضر و رفتارهای مجرمانه در سنین بزرگسالی ممانعت می‌کنند. هرچند در جرم‌شناسی رشدمدار صرفاً دوره‌ی کودکی و نوجوانی مد نظر محققان قرار نمی‌گیرد و در این رشته به مطالعه‌ی تغییرات دورن فردی در ارتباط با بزهکاری در ادوار مختلف زندگی پرداخته می‌شود (Newburn, 2007: 823) ولی هسته‌ی اصلی این مطالعات متمرکز بر کودکان و نوجوانان و دانش‌آموزان است. در واقع در جرم‌شناسی رشدمدار به این موضوع پرداخته می‌شود که عوامل بزهکاری در سنین مختلف تحت تأثیر عوامل مختلف به وقوع پیوسته و با توجه به سن مرتکب بازخوردهای خاصی را در پی خواهد داشت. ( Casey, 2011: 13)

### پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری دانش‌آموزان

مدرسه پس از خانواده اولین محیطی است که کودک یا نوجوان به عنوان زندگی اجتماعی تجربه می‌کند. کودکی و نوجوانی هم برای کودکان و نوجوانان و هم برای والدین آن‌ها دوران گذار است. به دلیل نیازهای روزافزون نوجوانان به خودمختاری، آن را دوره طوفان و استرس (Hall, 1905: 555) نامیده‌اند. از یک طرف، والدین باید به نوجوانان فضایی برای کشف، رشد و پیشرفت بدهند (Steinberg & Silk 2002: 105). از سوی دیگر، نوجوانان هنوز به بلوغ عقلی کامل نرسیده‌اند، بنابراین نقش والدین هنوز در ارائه راهنمایی و نظارت بسیار مهم هستند (Steinberg & Silk 2002: 109). به همین دلیل نقش والدین در این برهه‌ی حساس تغییر می‌کند و اثرگذاری آن‌ها در کنترل

فرزندان دچار تغییر و تحول شده و کاهش می‌یابد. برخی از محققان پیشنهاد می‌کنند که کنترل بیش از حد والدین می‌تواند مانع از کشف خود و ایجاد استقلال در نوجوانان شود (Nye, 1958)، در حالی که برخی دیگر معتقدند که کنترل والدین برای نوجوانان بسیار مهم است (Smetana et al., 2005)، به ویژه در مورد رفتار بزهکارانه نوجوانان. با این حال، نقش کنترل زودهنگام والدین در رفتار مجرمانه بزرگسالان جوان کمتر مشخص است.

امروزه رفتار بزهکارانه نوجوانان یکی از مسائل مهمی است که اکثر کشورهای جهان با آن مواجه هستند. این یک رویداد به طور گسترده مورد بحث است که اغلب با انحراف از هنجارهای اجتماعی و رفتار مجرمانه مرتبط است. در اکثر کشورهای جهان، به نظر می‌رسد که بزهکاری نوجوانان علی‌رغم آگاهی اجتماعی از آسیب‌های جرم در حال افزایش است. تحقیقات نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های کشورهایی همچون بریتانیا نیز در کنترل بزهکاری اطفال و نوجوانان کمتر مؤثر بوده است. (Smith & Utting, 2011: 67). می‌توان از طریق سوابق مشاهده کرد که دو دهه گذشته شاهد جنایاتی از سرقت جزئی تا سرقت بزرگ و قتل توسط نوجوانان بوده است (Famuyiwa, 2017). برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رفتارهای ضداجتماعی مانند بزهکاری در نوجوانی به اوج خود می‌رسد، از اوایل نوجوانی شروع می‌شود و در اواخر نوجوانی کاهش می‌یابد (Moffit, 2017: 69). با این حال، مطالعات اخیر نشان داده است که رفتار بزهکارانه ممکن است در اواخر نوجوانی و حتی در بزرگسالی ادامه یابد (Piquero et al., 2001). فلذا در خصوص بزهکاری اطفال و نوجوانان اتفاق نظر وجود ندارد. به منظور پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه‌ی دانش‌آموزان (اعم از اطفال و نوجوانان) می‌تواند از طریق مدرسه، تدوین و طراحی برنامه‌های خاص و همچنین اجرای صحیح آن‌ها به این هدف دست پیدا کرد.

#### سیاست جنایی ایران در قبال پیشگیری از بزهکاری مدرسه‌محور

سیاست جنایی در یک تقسیم‌بندی به سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی تقسیم می‌شود. در این بخش قصد داریم به این موضوع پردازیم که در سیاست کیفری کشور ایران کدام یک از بخش‌های سیاست جنایی در پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری درگیر می‌شوند و هر یک به چه نحوی و چه کارکردی دارد. افزایش میزان بزهکاری دانش‌آموزان، با توجه به افزایش نرخ و همچنین تنوع در بزه‌های ارتكابی، از یک سو و همچنین تهدید جامعه از طریق ایجاد حس ناامنی و ترس از بزه و بزهکاری مزمن اطفال و نوجوانان در بزرگسالی از سوی دیگر، تحقیق و پژوهش و مطالعه‌ی همه‌جانبه‌ی بزهکاری دانش‌آموزان و ارائه‌ی راه‌کارها و سازوکارهای مهار و مبارزه با

بزهکاری آنان را به امری ضروری و بسیار مهم تبدیل کرده است. اتخاذ تدابیر سنجیده و مناسب در مراحل قبل و بعد از تکوین بزهکار در اثر ارتکاب بزه، به واسطه‌ی پایین بودن سن و ویژگی‌های خاص شخصیتی که از آنان شخصیتی با طبع حساس ایجاد کرده است و در عین حال شخصیت منعطف و اصلاح‌پذیر کودکان و نوجوانان در راستای درست تربیت شدن و دوری از عوامل، علل، فرصت‌ها و موقعیت‌های بزهکاری، از اهمیت بسیاری برخوردار است. ماهیت دوره‌ی طفولیت یا نوجوانی و فشارهای موجود در جامع که بر آنان تحمیل می‌شود و کاهش سن بزهکاری، افزایش تعدد و تنوع بزهکاری دانش‌آموزان، حاکمیت‌ها را بر آن داشته است تا با مطالعه‌ی دقیق پدیده‌ی بزهکاری دانش‌آموزان و اتخاذ راهبردهایی جهت مهار و کنترل بزهکاری آنان، در راستای تعالی سرمایه‌های انسانی و آینده‌سازان کشور، اقداماتی انجام دهند و سیاست جنایی مناسبی در این خصوص اتخاذ نمایند. به نحوی که این سیاست جنایی همزمان با کارآمدی در کوتاه مدت و دراز مدت موجب تحقق هدف منظور گردد.

(ابراهیمی، ۱۴۰۳: ۳۴). در بستر سیاست جنایی کشور ایران، ابتکارات و برنامه‌های جدید در زمینه‌ی پیشگیری از جرم، چندسالی است که به‌طور جدی افزایش یافته است.

### سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی با استفاده از ابزاری به نام قانون اقدام به خط‌مشی‌گذاری اولیه در خصوص یک موضوع می‌نماید. سیاست جنایی تقنینی به طرز فکر جنایی یا شیوه برخوردی متوجه است که از طرف مقنن برگرفته شده و در محدوده یک سری قواعد و انتظامات قانونی معین و منصوص تبیین می‌گردد. (صالحی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۲۲). سیاست جنایی تقنینی به دو دسته‌ی شکلی و ماهوی تقسیم می‌شود. از آن‌جاکه حقوق کیفری هسته‌ی مرکزی هر سیاست جنایی است، و جرم هسته‌ی مرکزی حقوق کیفری، قانون‌گذاران با هنجارگذاری جنایی شامل جرم‌انگاری و کیفرگذاری در قوانین ماهوی و همچنین تبیین اصول و تشریفات نحوه‌ی رسیدگی به جرایم در قوانین شکلی به سیاست‌گذاری جنایی از طریق قانون‌گذاری اقدام می‌کنند. در سیاست جنایی ایران مهمترین منابع سیاست جنایی قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ می‌باشد. با این حال در خصوص بزهکاری اطفال، جوانان و نوجوانان باید قوانین حمایت از اطفال و نوجوانان و حمایت از خانواده را نیز به بحث ماهوی یا شکلی افزود. در واقع قانون‌گذار با تصویب

این دو قانون اخیر اقدام به سیاست‌گذاری جنایی افتراقی در قبال بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری اطفال و نوجوانان نموده است. موضوع پژوهش حاضر پیشگیری مدرسه‌محور از بزه‌کاری است و ما قصد داریم در این بخش از پژوهش به بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال پیشگیری مدرسه‌محور از بزه‌کاری بپردازیم.

### سیاست جنایی تقنینی شکلی

#### ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری: نقش سازمان‌های مردم‌نهاد

در ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به مبحث حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخته شده است. این ماده مقرر داشته است: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان ... است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.» اعلام جرم در راستای حمایت از بزه‌دیده‌ها است. یکی از جنبه‌های اعلام جرم می‌تواند پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد این اشخاص باشد. فلذا بخشی از این ماده با رویکرد پیشگیرانه تصویب و تدوین شده است. در تبصره‌ی ۱ این ماده نیز مجدداً به اطفال و نوجوانان اشاره شده است. در این تبصره بیان شده است: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.»

بازیگران غیردولتی در جامعه‌ی امروزی نقش‌های بسیاری را عهده‌دار هستند و با حضور خود هم در شکل‌گیری و هم در اجرای مقررات کیفری در سیاست جنایی تأثیر زیادی داشته‌اند. سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) یکی از مهم‌ترین بازیگران غیردولتی می‌باشند که هم در زمینه‌ی مللی و هم در زمینه‌ی بین‌المللی فعال هستند. حضور و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه‌های مختلف باعث شده تا در عرصه داخلی قانون‌گذار به این امر توجه کند و وضعیت حقوقی آن‌ها را سر و سامان دهد تا به بهترین نحو از ظرفیت این بازیگران در سیاست جنایی و مقررات کیفری از جمله مقررات آیین دادرسی کیفری استفاده نماید. اصلاح مقررات مربوطه و اتخاذ خط‌مشی مثبت و مناسب توسط حاکمیت‌ها، امکان تأسیس سمن‌ها و گسترش آن‌ها را تسهیل و حضور آن‌ها را در عرصه‌های مختلف فرایند دادرسی کیفری را تضمین می‌نماید. هدف از تأسیس این سازمان‌ها کسب سود و سوداگری مالی نیست. همین ویژگی غیرانتفاعی این سازمان‌ها، آن‌ها را از شرکت‌های تجاری که به دنبال کسب

سود و انتفاع مالی هستند، تفکیک می‌کند. رفتارهای غیرسوداگرانه، داوطلبانگی عضویت و فعالیت در این سازمان‌ها و عام‌المنفعه بودن فعالیت‌های افراد در سازمان‌های غیردولتی یکی از معیارهای مهم برای بازشناسایی آن‌ها و تفکیک‌شان از بعضی از نهادهای دیگر همچون شرکت‌های تجاری می‌باشد.

به سبب اهمیت این موضوع، مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری تلاش کرده است تا از ظرفیت این سازمان‌ها استفاده کرده و حمایت مؤثری از گروه‌های آسیب‌پذیر به عمل آورد. بدین منظور ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به مشارکت سمن‌ها در فرآیند دادرسی کیفری اختصاص داده است. دانش آموزان نیز از زمره گروه‌های آسیب‌پذیر هستند که به علت ویژگی‌های فردی و شخصیتی خود در معرض بزهکاری یا بزه‌دیدگی قرار داشته و این موضوع می‌تواند کل زندگی آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد. فلذا حمایت سمن‌ها از این گروه به صورت خاص در فرایندهای جنایی (نه فرایندهای کیفری) از مرحله‌ی پیشگیری از جرم تا بازپروری پس از اعمال مجازات باید مد نظر قرار گیرد. همکاری این سازمان‌ها با مدارس می‌تواند به صورت مؤثر بر پیشگیری از بزهکاری مدرسه‌محور مؤثر واقع شود. مخصوصاً اینکه در این سازمان‌ها اشخاص دغدغه‌مند فعالیت دارند. این افراد می‌توانند با دلسوزی بیشتری اهداف پیشگیرانه را برآورده سازند. ظهور مکاتب فکری فلسفی کیفری تأثیر زیادی در توسعه‌ی تفکرات مربوط به حقوق فردی در حقوق کیفری و جرم‌شناسی داشته است. دکتر کاتوزیان معتقد است آنچه در دانش حقوق اصالت دارد انسان است؛ جامعه تشکیل می‌شود تا از حقوق و آزادی‌های انسان حمایت کند. این حقوق از طبیعت ناشی می‌شود نه از اجتماع. (کاتوزیان، ۱۳۶۵: ۳۵۹) مدیریت پدیده‌ی مجرمانه و پاسخ در خور به آن موجب طرح مباحث گوناگون در حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناسی شده است. مکتب دفاع اجتماعی از همان ابتدای شکل‌گیری با نظریات مارک آنسل، پیشگیری از جرم، دفاع از جامعه از طریق حمایت و بازپذیری را به جای سرکوب، تنبیه و مجازات در دستور کار خود قرار داد و بر مشارکت همگان به منظور نیل به این هدف تأکید کرد.

### سیاست جنایی تقنینی ماهوی

در خصوص سیاست جنایی تقنینی ماهوی ایران در قبال بزهکاری یا بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان می‌توان سه قانون را مورد بررسی قرار داد. اول، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دوم، قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و سوم، که از همه مهمتر است قانون حمایت از اطفال و نوجوانان.

### قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سیاست جنایی در خصوص پیشگیری مدرسه‌مدار از بزهکاری به چشم نمی‌خورد. ولیکن در خصوص اطفال و نوجوانان برخی موارد خاص تقنین شده است از جمله مواد ۸۸ الی ۹۵، ۱۳۸ و ۱۴۶ و ۱۴۷. هرچند سیاست جنایی خاصی در مورد پیشگیری از جرم در قانون مجازات اسلامی مشاهده نمی‌شود، ولیکن بررسی مواد قانونی می‌تواند موضع کلی نوع سیاست جنایی ماهوی را در خصوص موضوع مشخص سازد. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان  
ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی.

#### قانون حمایت از خانواده

در قانون حمایت خانواده شاید مستقیماً بر روی پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری مقررهای وجود نداشته باشد، ولیکن موادی وجود دارد که به عنوان ظروف قانونی دارای ظرفیت سیاست‌گذاری اجرایی در خصوص پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری هستند. از جمله‌ی این مقررات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

#### الف) صلاحیت خاص دادگاه‌های خانواده:

به موجب ماده‌ی ۱ قانون حمایت از خانواده: «به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ تصویب این قانون در کلیه حوزه‌های قضائی شهرستان به تعداد کافی شعبه دادگاه خانواده تشکیل دهد. تشکیل این دادگاه در حوزه‌های قضائی بخش به تناسب امکانات به تشخیص رئیس قوه قضائیه موکول است.»

به موجب تبصره‌ی ۱ این ماده: «از زمان اجرای این قانون در حوزه قضائی شهرستان‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است تا زمان تشکیل آن، دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند.»

به موجب تبصره‌ی ۲ این ماده: «در حوزه قضائی بخش‌هایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند، مگر

دعاوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیک‌ترین حوزه قضائی رسیدگی می‌شود.»

به موجب این ماده، صلاحیت رسیدگی به دعاوی خانوادگی که فهرستی از آن‌ها در ماده‌ی ۴ مورد اشاره قرار گرفته است، در صلاحیت دادگاه‌های خاصی است که باید در حوزه‌ی قضایی با تشریفات خاصی به موضوع رسیدگی کند. این موضوع موجب رسیدگی تخصصی به دعاوی خانواده مانند طلاق و حضانت خواهد شد. از آنجایی که وضعیت خانوادگی دانش‌آموز از جمله طلاق خانواده و حضانت پدر یا مادر نسبت به طفل بر روی رفتار دانش‌آموز در مدرسه تأثیر خواهد گذاشت. همچنین نحوه‌ی تعامل دادگاه‌ها و مقامات قضایی یا اداری دادگستری نیز بر رفتار دانش‌آموزان مؤثر خواهد بود. فلذا تشکیل دادگاه‌های تخصصی خانواده می‌تواند با مکانیسم‌هایی از جمله استفاده از مشاور و تعامل با مدرسه‌ی تحصیلی فرزند از آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطرگرایانه‌ی بعدی دانش‌آموزان جلوگیری نماید.

ماده‌ی ۴ قانون حمایت خانواده بیان داشته است: « رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است:

۱. نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن
۲. نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح
۳. شروط ضمن عقد نکاح
۴. ازدواج مجدد
۵. جهیزیه
۶. مهریه
۷. نفقه زوجه و اجرت‌المثل ایام زوجیت
۸. تمکین و نشوز
۹. طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن
۱۰. حضانت و ملاقات طفل
۱۱. نسب
۱۲. رشد، حجر و رفع آن
۱۳. ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان
۱۴. نفقه اقارب
۱۵. امور راجع به غایب مفقودالاثار
۱۶. سرپرستی کودکان بی سرپرست
۱۷. اهدای جنین
۱۸. تغییر جنسیت»

بسیاری از موارد مذکور در ماده‌ی ۴ مؤثر بر رفتارهای آینده‌ی دانش‌آموزان خواهد بود. از جمله مسائل مربوط به طلاق، حضانت و ملاقات طفل، نفقه‌ی اقارب و سرپرستی کودکان بی‌سرپرست.

به منظور اجرایی کردن برنامه‌های پیشگیری مدرسه‌محور باید چنین اتفاقاتی در پرونده‌های شخصیت اشخاص از جمله دانش‌آموزان با حفظ محرمانگی درج گردد و وضعیت خاص هر دانش‌آموز به صورت منحصر به فرد در مورد برنامه‌هایی که باید نسبت به ایشان اجرا شود مورد بررسی قرار گیرد. در واقع صرف نظر از برنامه‌های گروهی پیشگیری مدرسه‌محور برای اجرای برنامه‌های شخص‌محور می‌توان از اطلاعات دادگاه‌های خانواده نیز استفاده کرد. این امر مستلزم همکاری دادگستری با آموزش و پرورش است. وجود یک شعبه‌ی تخصصی تحت عنوان شعبه‌ی دادگاه خانواده - صرف نظر از اینکه مربوط به مسائل حقوقی است - می‌تواند منبع اطلاعاتی بسیار خوبی به منظور دستیابی به اطلاعات و آمارهای مربوط به دانش‌آموزان در حال تحصیل در مدرسه‌ی مربوط به شهرستان باشد. در صورتی که تعامل مناسبی بین دادگاه‌های خانواده و مدرسه برقرار شود، مدارس می‌توانند سیاست‌های پیشگیرانه‌ی مدرسه‌محور خود را شخصی‌سازی نمایند. در واقع در چنین وضعیتی یک برنامه‌ی اختصاصی در خصوص هر یک از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر می‌توان اعمال کرد.

#### ب) استفاده از قضات مجرب و مشاور زن در دادگاه‌های خانواده

به موجب ماده‌ی ۲ قانون حمایت از خانواده: «دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد. قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهار نظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاءکننده‌ی رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند.»

یکی از علت‌های اینکه در دادگاه‌های خانواده باید قاضی مشاور زن حضور داشته باشد این است که صرف نظر از ماهیت حقوقی دعوا با توجه به وضعیت خانوادگی زوجین و فرزندان و همچنین آثار و تبعات اجتماعی اعمال مقررات قانونی بر دعوا، نظریه‌ی مشورتی ارائه نماید. نظریه‌ی مشورتی الزام‌آور نیست ولیکن می‌تواند مسیر بزهکاری شخص در آینده را مسدود نماید. باید دقت داشت که لزومی ندارد که برنامه‌های پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری حتماً در مدرسه اجرا شود. بلکه می‌تواند در محیطی غیر از مدرسه ولیکن با همکاری مدرسه اجرا شود. در خصوص نظریه‌های مشورتی قاضی مشاور زن در دادگاه‌های خانواده، این قاضی می‌تواند وضعیت اجتماعی و تحصیلی و خانوادگی دانش‌آموز را نیز در نظر بگیرد و از این طریق اقدام به ارائه‌ی نظریه

بنمایید. در چنین وضعیتی تعامل مدرسه و دادگستری و علی‌الخصوص تعامل مدرسه با قاضی مشاور می‌تواند در نظریات مؤثر واقع شود. به عنوان مثال قاضی مشاور می‌تواند در خصوص وضعیت حضانت طفل با توجه به رفتارهایی که سابقاً در مدرسه از دانش‌آموز سر زده است اظهار نظر کند. چه بسا دانش‌آموز در مدرسه در نزد معلمان و پرسنل مدرسه اظهاراتی را بیان کرده باشد که این اظهارات بتواند در تصمیم‌گیری و مشاوره در خصوص تعیین وضعیت حضانت طفل مؤثر واقع شود. فلذا حضور قاضی مشاور زن با تعاملی که می‌تواند با مدرسه داشته باشد می‌تواند به پیشگیری بزهکاری فعلی یا آینده‌ی دانش‌آموزان ختم شود.

### ج) تکلیف دادگاه خانواده به تعیین تکلیف فوری در مورد حضانت، نگهداری و ملاقات طفل

به موجب ماده‌ی ۷ قانون حمایت از خانواده: «دادگاه می‌تواند پیش از اتخاذ تصمیم در مورد اصل دعوی به درخواست یکی از طرفین در اموری از قبیل حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه زن و محجور که تعیین تکلیف آنها فوریت دارد بدون اخذ تأمین، دستور موقت صادر کند. این دستور بدون نیاز به تأیید رئیس حوزه قضائی قابل اجراء است. چنانچه دادگاه ظرف شش ماه راجع به اصل دعوی اتخاذ تصمیم نکند، دستور صادر شده ملغی محسوب و از آن رفع اثر می‌شود، مگر آنکه دادگاه مطابق این ماده دوباره دستور موقت صادر کند.»

بسیاری از مسائل و تصمیمات دادگاه خانواده بر روی وضعیت تحصیلی و رفتار دانش‌آموز چه در مدرسه و چه در خارج از مدرسه مؤثر است. از جمله وضعیت حضانت، نگهداری و ملاقات با طفل دانش‌آموز. در صورتی که اتخاذ تصمیمات به درازا بیانجامد، دانش‌آموز را در وضعیت سرگردان نگه خواهد داشت. به همین دلیل اتخاذ تصمیم سریع در خصوص مسائل مربوطه می‌تواند وضعیت تحصیلی و وضعیت مدرسه‌ی دانش‌آموز را مشخص سازد. به عنوان مثال در صورتی که والدینی که از یکدیگر طلاق گرفته‌اند هر یک در یک شهرستان زندگی کند، حضانت فرزند بر روی مدرسه‌ای که دانش‌آموز قرار است در آینده در آن تحصیل کند تأثیر خواهد داشت.

تمامی ادیان بر این عقیده استوار هستند که انسان می‌تواند بهترین موجود نظام آفرینش باشد. در این خصوص پیامبران الهی آمده‌اند تا پیغام حریت بشر و جایگاه ویژه‌ی او را به جهانیان گوشزد کنند و عرصه‌ی کمال و رشد و سعادت انسان را از رهگذر آموزه‌های معنوی و اخلاقی فراهم سازند.

در دین اسلام در قرآن کریم تصریح شده است که انسان خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین است و در بهترین حالت، وضعیت و نظام آفریده شده

است. همچنین انسان صاحب عقل و تفکر است و کلیه‌ی آموزه‌های الهی بر فطرت او نازل شده است. متأسفانه برخلاف این جایگاه، بشریت، در گذر زمان به علت زیاده‌خواهی، به سمت روحیه‌ی استکباری متمایل شده و نقض بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین فردی و اجتماعی را نظاره‌گر بوده است. در این میان، کودک و نوجوان به خاطر آسیب‌پذیری فوق‌العاده‌ای که دارد همواره در میدان فساد و تباهی در معرض خطرات و آسیب‌های گوناگونی همچون بهره‌کشی اعم از جنسی و غیرجنسی، بردگی و دیگر رفتارهای غیرانسانی بوده است. درک نادرست بشر از کودک، نوجوان و دوران طفولیت و نوجوانی و گاهی ناپاک دانستن این اشخاص، در گذشته باعث شده بود که برخورد های سنگینی با کودکان انجام پذیرد. به همین دلیل، هرگونه اذیت و آزار آنان امری مجاز تصور می‌شد. (پیوندی، ۱۳۹۰: ۱۸)

به رسمیت شناختن حقوق کودک در جامعه‌ی بین‌المللی مسیر بسیار سختی را پشت سر گذاشته است. در اواخر قرن نوزدهم میلادی، به دوره‌ای از تحولات تاریخی می‌رسیم که می‌توان آن را دوران شناسایی حقوق کودک و توجه به کودکان نام‌گذاری کرد. از اواخر سده‌ی نوزدهم به بعد در اکثر نظام‌های حقوق کیفری در سرتاسر جهان، کودکان به عنوان گروهی خاص، موضوع حقوق قرار گرفتند. پس از جنگ جهانی اول که بخشی از قربانیان و بزه‌دیدگان آن کودکان بودند، جامعه‌ی بین‌المللی برای حمایت از حقوق انسان توجه بسیاری کرد. این نوع نگرش به تدوین و تصویب اسناد متعددی در حمایت از حقوق کودکان منجر شد. (پیوندی، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۸). قوانین بسیاری از کشورها مخصوصاً کشورهای اسلامی که برگرفته از قواعد و مقررات و احکام اسلامی هستند به کودکان و حقوق آنان توجه نموده‌اند. در قوانین مختلف کشور ایران مانند قانون اساسی، قوانین مدنی، کیفری و دیگر قوانین خاص، به مسائل مربوط به حمایت از اطفال و نوجوانان اشاره کرده‌اند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، و تصویب قانون اساسی علی‌الخصوص تصویب اصل چهارم قانون اساسی، با توجه به نگرش اسلامی به جنین، کودک و نوجوان و اهمیت دوران خردسالی و زندگی جنینی مقنن کشور ایران به موضوع حقوق کودکان و نوجوانان به طور خاص توجه کرده است. قانون اساسی به عنوان پایه‌ی مقررات جمهوری اسلامی ایران مسائلی کلی و سوگیری‌های اساسی در زمینه‌های مختلف، از جمله آموزش و پرورش همگانی و رایگان در کلیه‌ی سطوح به ویژه برای کودکان و نوجوانان مطرح کرده است. از آنجایی که یکی از برنامه‌های مربوط به پیشگیری از جرم، آموزشی است. در واقع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ظرفیت‌هایی برای تدوین و اجرایی کردن برنامه‌های پیشگیری مدرسه‌محور و آموزش‌محور

از بزهکاری را در نظر گرفته است. همچنین در قانون اساسی توجه به مادران باردار و کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست جزء اصول راهبردی است. امور کودکان و نوجوانان نیز از اصول کلی و راهبردی قانون اساسی است. (پیوندی، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

در ایران به رغم وجود مقرراتی پراکنده در موضوع حمایت از کودکان در قوانینی همچون قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی، قانون حمایت از خانواده، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست، و قانون تامین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان، قوهی مقننه به سمت تدوین و تصویب قانونی خاص حرکت کرده و نهایتاً در شکل قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» ظهور و بروز کرده است. مقنن با تصویب مادهی ۱۱۷۳ قانون مدنی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۲۵ آذر ماه ۱۳۸۱ نشان داد که حمایت از اطفال و نوجوانان آسیب پذیر و در معرض خطر و بزه دیده از اهمیت بالایی برخوردار است. با این حال مقررات اخیرالذکر فاقد جامعیت و انسجام لازم برای حمایت از کودکان و نوجوانان بود. با توجه به خلاء قانونی موجود قوهی قضائیه اقدام به تدوین لایحهی حمایت از کودکان و نوجوانان کرد. قانون کشور ایران این امر از رهگذر تعریف مفهوم و احصای مصادیق وضعیت مخاطره آمیز، تعریف مفاهیمی همچون بهره کشی اقتصادی، بی توجهی و سهل انگاری، سوء رفتار، فحشاء، مستهجن و هرزه نگاری، در کنار هنجارگذاری های جنایی ویژه و تدوین سیاست جنایی افتراقی، تمهید آیین دادرسی کیفری ویژهی اطفال و نوجوانان بزه دیده در معرض خطر و شاهد جرم و مواردی دیگر در جهت حمایت از این دسته از کودکان و نوجوانان پرداخته است.

پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی کودکان از همان سال های نخست زندگی آغاز می شود. کودکان با عنایت به وضعیت خاص خود به لحاظ جسمی و روحی نیاز به حمایت ها و مراقبت های ویژه دارند. لذا حفظ قداست و ارزش دوران کودکی بر عهدهی دولت مردان صرف نظر از هرگونه تمایلات و تفکرات سیاسی است. مقنن نیز در این زمینه سهم به سزایی دارد. چراکه وظیفهی مقنن در جهت بخشیدن قدرت حاکمیت به بایدها و نبایدها، وضع مقرراتی برای حفظ حقوق اشخاص جامعه است.

در خصوص اسناد بین المللی نیز می توان به پیمان نامه ی حقوق کودک مصوب مجمع عمومی ملل متحد در بیستم ماه نوامبر سال ۱۹۸۹ و لازم الاجرا شده در دوم سپتامبر سال ۱۹۹۰ اشاره کرد. این پیمان نامه به نحو تفصیلی به بیان و حمایت از حقوق کودکان پرداخته است. تاکنون ۱۹۳ کشور و به عبارتی تمام اعضای سازمان ملل متحد به جز دو کشور ایالات متحدهی آمریکا و سومالی

این سند را امضا کرده و آن را پذیرفته‌اند. دو کشوری که ثروتمندترین و فقیرترین کشور دنیا محسوب می‌شوند. دولت ایران پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک را در ۱۹۹۰ به صورت مشروط امضا کرده است. چهار سال بعد در اسفندماه ۱۳۷۲ (۱۹۹۴) مجلس شورای اسلامی، کنوانسیون حقوق کودک شامل یک مقدمه و ۵۴ ماده را تصویب کرد و به شورای نگهبان فرستاد. در این خصوص شورای نگهبان در نظریه‌ی شماره‌ی ۵۷۶۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۴ خود، نه بند و تبصره‌ی کنوانسیون را مخالف با موازین شرع اسلام اعلام نمود. مجلس در بررسی مجدد، ماده واحدی مربوطه را به شرح زیر اصلاح نمود.

کنوانسیون حقوق کودک... به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود مشروط بر این که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد.

مصوبه در شورای نگهبان تایید شد و سپس به دولت ابلاغ شد.

همچنین لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان که ۱۳ سال پیش توسط قوه قضائیه براساس اصل صد و پنجاه و ششم قانون اساسی به منظور حمایت قضایی از افراد زیر ۱۸ سال در معرض خطر و بزه‌دیدگی تدوین شده بود. بعد از رفت و آمد بسیار بین مجلس و شورای نگهبان نهایتاً در خردادماه سال ۹۹ تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به تصویب رسید.

هر یک از فصول این قانون در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان بر مبنای سیاست جنایی افتراقی در مقابله با بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان مقررات منحصر به فردی را پیش‌بینی کرده است که در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت. برخی از این مقررات می‌تواند در پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری مورد استفاده قرار گیرد.

### گستره‌ی شمول قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

این قانون در ماده‌ی ۲ دایره‌ی شمول مقررات خود را به کلیه‌ی افراد زیر هجده سال شمسی تسری داده است. به موجب ماده‌ی ۲: «تمام افرادی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند، مشمول این قانون می‌باشند.» در کشور ایران دانش‌آموزی علی‌الاصول از هفت سالگی شروع شده و تا هجده سالگی ادامه می‌یابد و اشخاص در سن هجده سالگی پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان وارد دانشگاه می‌شوند. با توجه به گستره‌ی معرفی شده در ماده‌ی ۲ این قانون، حمایت از دانش‌آموزان نیز مورد توجه این قانون می‌باشد. فلذا پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری را می‌توان مستند به حمایت‌ها و مقررات مذکور در این ماده و این قانون مستند به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز دانست.

حمایت قانونی از دانش‌آموزان در وضعیت مخاطره‌آمیز

به موجب ماده‌ی ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: «موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود:

الف) بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است؛

ب) ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری با اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی؛

پ) زندانی شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی؛

ت) ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار؛

ث) قوادی و یا دائر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا توسط هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتهار آنها به فساد اخلاق و فحشا؛

ج) خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛

چ) عدم اقدام برای ثبت واقعه ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه؛

ح) باز ماندن طفل و نوجوان از تحصیل؛

خ) طردشدن طفل و نوجوان از سوی خانواده؛

د) کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماریهای خاص یا اختلال هویت جنسی؛

ذ) نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آنها در فعالیت‌های مجرمانه، واردشدن یا وارد کردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به مواد مخدر، روانگردان یا مشروبات الکلی؛

ر) هرگونه وضعیت زیانبار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی مهاجرت یا بی‌تابیتی؛

ز) فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان

ژ) سوءرفتار نسبت به طفل و نوجوان و با بهره‌کشی از او.»

به موجب بند الف ماده‌ی فوق‌الذکر بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر

شخصی که مکلف به آن است وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب می‌شود. یکی از برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی دانش‌آموزان در مدرسه می‌تواند مبتنی بر این بند باشد. با توجه به اینکه در هر دانش‌آموزان محدودی حضور دارند، فلذا با یک برنامه‌ریزی منظم و مرتب می‌توان به اطلاعات دانش‌آموزان دست پیدا کرد. این دستیابی به اطلاعات می‌تواند از طریق مصاحبه با دانش‌آموز، برگزاری جلسه با اولیاء و مربیان و یا انجام تحقیقات از سایر اشخاص انجام شود. شناسایی افراد بی‌سرپرست و معرفی به مراکز معتبر دولتی می‌تواند از بزه‌دیدگی فعلی یا بزهکاری فعلی یا آینده‌ی اطفال و نوجوانان پیشگیری نماید. همچنین بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظیفه‌ی قانونی و شرعی می‌تواند از سوی هر شخصی داخل یا خارج از مدرسه انجام پذیرد. هم اولیاء و سرپرستان دانش‌آموز و هم مربیان و معلمان ایشان تکالیف شرعی و قانونی در قبال دانش‌آموز برعهده دارند. فلذا عدم اجرای این تکالیف می‌تواند مشمول این ماده قرار گرفته و کودک یا نوجوان را در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار دهد. در خصوص قسمت دوم این بند از ماده می‌توان دو نوع رویکرد و برنامه‌ریزی برای پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری اتخاذ نمود. رویکرد اول مربوط به شناسایی اشخاص در معرض خطر و رویکرد دوم مربوط به پیشگیری از تحقق بی‌توجهی و سهل‌انگاری در حق طفل یا نوجوان است.

به موجب بند ب این ماده «ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری با اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی» وضعیت مخاطره‌آمیز برای دانش‌آموز محسوب می‌شود. این بند نیز می‌تواند در برنامه‌های پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور مدرسه و سیاست‌گذاران می‌تواند سازوکارهایی را برای شناسایی والدین و اولیاء و سرپرستان قانونی مشکوک به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج را شناسایی نموده و به منظور تشخیص دقیق به مراجع مربوطه معرفی نمایند. در صورتی که اولیا و سرپرستان در خصوص معاینه و معالجه مقاومت نمایند می‌توان با تعیین یک سازوکار قانونی از طریق مراجع صالح قضایی به دنبال این کار رفت.

به موجب بند پ ماده‌ی ۳ زندانی شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی از جمله وضعیت‌های مخاطره‌آمیز محسوب می‌شود. اطلاع یافتن از زندانی بودن اولیاء یا سرپرستان یا هر یک از والدین می‌تواند از طریق غربال‌گری و تحقیقات در مدرسه انجام شود. همچنین اطلاع‌رسانی موضوع به نهادهای ذیربط نیز می‌تواند از طریق مدرسه انجام شود. فلذا مدرسه می‌تواند در کشف و اعلام وضعیت مخاطره‌آمیز اخیر مشارکت داشته باشد و از این طریق به پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری اطفال و نوجوانان که قشر دانش‌آموز را تشکیل می‌دهند اقدام کند. مشابه همین اقدام به منظور

پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری در بندهای ت، ث، ج، خ، د، ذ، ر، ز، ژ قابل تصور است.

### یافته‌های پژوهش

پژوهشگر به این نتیجه رسیده است که سیاست‌های جنایی تقنینی و اجرایی در ایران نیازمند بازبینی و هماهنگی بیشتر هستند تا به‌طور کارآمدتری بتوانند برنامه‌های پیشگیری مدرسه‌محور را به مرحله اجرا بگذارند. همچنین، به‌کارگیری ابزارهایی نظیر آموزش‌های اجتماعی، افزایش آگاهی خانواده‌ها و تنظیم محیط مدرسه به نحوی که تعاملات اجتماعی مثبت را تقویت کند، از دیگر یافته‌های کلیدی پژوهش است.

یافته‌های پژوهش در خصوص پیشگیری از بزهکاری مدرسه‌محور نشان می‌دهد که این نوع پیشگیری نیازمند همکاری چندجانبه‌ای است که تمامی عوامل مرتبط با رشد و تربیت کودکان و نوجوانان را در بر می‌گیرد. در ادامه به چند نکته مهم از یافته‌ها می‌پردازم:

۱. **نقش خانواده:** یافته‌ها حاکی از آن است که خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی و تربیتی، تاثیر زیادی بر رفتارهای کودکان و نوجوانان دارد. بنابراین، آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها و ایجاد تعامل موثر بین والدین و مدرسه از اهمیت بالایی برخوردار است. برنامه‌هایی که والدین را به مشارکت در امور مدرسه ترغیب می‌کنند و سطح آگاهی آن‌ها از مسائل تربیتی و روان‌شناختی را افزایش می‌دهند، می‌توانند در کاهش بزهکاری مؤثر باشند.

۲. **نقش مدرسه:** مدرسه باید محیطی فراهم کند که در آن به دانش‌آموزان فرصت آموزش مهارت‌های اجتماعی و مدیریت هیجانات داده شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که اجرای برنامه‌های آموزشی متمرکز بر ارتقای مهارت‌های زندگی، همچون حل مسئله، مدیریت استرس و تقویت ارتباطات سالم، می‌تواند به پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه کمک کند. مدارس همچنین باید به شناسایی زود هنگام دانش‌آموزان در معرض خطر بپردازند و برنامه‌های مداخله‌ای مناسبی برای آن‌ها تدارک ببینند.

۳. **بازنگری در سیاست‌های جنایی و پیشگیرانه:** یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سیاست‌های جنایی و پیشگیری موجود در ایران نیاز به بازبینی دارند. باید این سیاست‌ها به نحوی اصلاح شوند که به‌جای تکیه بر مجازات‌های سرکوبگر، بر اقدامات پیشگیرانه و حمایتی متمرکز شوند. هماهنگی بیشتر بین سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی و در نظر گرفتن شرایط خاص کودکان و نوجوانان می‌تواند تاثیر مثبت بیشتری بر کاهش بزهکاری داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که پیشگیری از بزهکاری در میان دانش‌آموزان نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که شامل تعامل بین مدرسه، خانواده و

نهادهای اجتماعی است. مدارس با ایفای نقش پیشگیرانه و حمایت از دانش‌آموزان در معرض خطر می‌توانند به کاهش بزهکاری کمک کرده و محیطی سالم و امن برای رشد و آموزش فراهم کنند. پژوهش حاکی از آن است که بهره‌گیری از انواع پیشگیری‌ها (اولیه، ثانویه، ثالثیه، وضعی و رشدمدار) و ایجاد فضای تعامل مثبت میان دانش‌آموزان، معلمان، والدین و کارشناسان می‌تواند احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه را به طور قابل توجهی کاهش دهد. در این راستا، تدوین سیاست‌های آموزشی و پیشگیرانه متناسب با نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، به همراه استفاده از مداخلات روان‌شناختی و برنامه‌های آموزشی، برای پیشگیری مؤثر از بزهکاری ضروری است. این پژوهش در نهایت بر لزوم به‌کارگیری روش‌های غیرتنبیهی و حمایتی به جای سیاست‌های سرکوبگرانه تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ایجاد یک بستر هم‌افزا برای مدارس و نهادهای مرتبط، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش پایدار بزهکاری در میان نوجوانان و بهبود امنیت اجتماعی در جامعه باشد در اینجا برخی از موارد اصلی که این رویکرد جامع پیشگیرانه بر آن تأکید دارد، به تفصیل توضیح داده می‌شود:

• **تقویت آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی:** پژوهش بیان می‌کند که آموزش مهارت‌های زندگی، از جمله مهارت‌های حل مسئله، مدیریت هیجانات، و ارتباط مؤثر، می‌تواند دانش‌آموزان را برای مقابله با چالش‌های زندگی روزمره آماده کند. این مهارت‌ها به آنها کمک می‌کند تا در برابر وسوسه‌ها و فشارهای منفی اجتماعی، همچون فشار همسالان برای ارتکاب رفتارهای نادرست، مقاومت کنند و راه‌های سالم‌تری را برای برطرف کردن نیازها و حل مشکلات خود بیابند.

• **نقش مشارکتی خانواده و مدرسه:** این پژوهش تأکید می‌کند که پیوند خانواده و مدرسه باید مستحکم‌تر شود. خانواده، به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری ارزش‌ها و رفتارهای کودکان دارد و بنابراین، همکاری مستمر بین والدین و مدارس ضروری است. مدارس می‌توانند با برگزاری جلسات آموزشی و مشاوره‌ای برای والدین، آنها را در آگاهی‌بخشی به فرزندان‌شان یاری دهند و به والدین کمک کنند که به نیازهای روانی و اجتماعی کودکان خود پاسخ بهتری دهند.

• **مداخله به موقع و حمایت‌های روان‌شناختی:** پژوهش به اهمیت شناسایی زودهنگام دانش‌آموزان در معرض خطر اشاره دارد. برای مثال، دانش‌آموزانی که به دلایل مختلف خانوادگی، اقتصادی یا اجتماعی مستعد رفتارهای بزهکارانه هستند، نیازمند مداخلات روان‌شناختی و حمایت‌های اجتماعی به‌موقع‌اند. این حمایت‌ها می‌توانند شامل مشاوره‌های فردی، برنامه‌های گروهی و حمایت‌های درمانی باشند که به آنها کمک می‌کند تا از رفتارهای پرخطر اجتناب کنند.

• **ایجاد سیاست جنایی پیشگیرانه جامع:** پژوهش به نیاز به بازبینی سیاست‌های جنایی کشور نیز اشاره دارد. بسیاری از سیاست‌های جنایی ایران بیشتر بر رویکردهای تنبیهی و سرکوبگرانه متمرکز هستند، در حالی که برای پیشگیری مؤثر از بزهکاری، لازم است که سیاست‌های جامع‌تری وضع شود که بر اقدامات حمایتی و اصلاحی تکیه دارند. سیاست‌های حمایتی مانند آموزش حقوقی، مشاوره روان‌شناسی، و ایجاد

تسهیلات مناسب برای تحصیل دانش‌آموزان، می‌تواند رویکردی موثرتر در کنترل بزهکاری باشد.

● **نقش مدارس در شناسایی و کاهش رفتارهای بزهکارانه:** مدارس به دلیل تعامل مداوم با دانش‌آموزان، بهترین موقعیت را برای شناسایی مشکلات رفتاری و علائم هشداردهنده بزهکاری دارند. این پژوهش نشان می‌دهد که اگر مدارس از سیستم‌های نظارتی و مشاوره‌ای مؤثری برخوردار باشند، می‌توانند دانش‌آموزانی را که به دلایل فردی یا اجتماعی در معرض بزهکاری هستند، به‌موقع شناسایی و مداخلات مناسبی را برای آنها اعمال کنند.

#### پیشنهادات

در راستای بهبود سیاست جنایی ایران در قبال پیشگیری مدرسه‌محور می‌توان از اقداماتی شامل اقدامات عملی و راهبردهای آموزشی، اجتماعی و سیاستی، که به تقویت برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری مدرسه‌محور کمک می‌کنند استفاده کرد. در این خصوص می‌توان از موارد ذیل کمک گرفت.

#### توسعه و تقویت برنامه‌های آموزشی برای مهارت‌های زندگی

توسعه و تقویت برنامه‌های آموزشی برای مهارت‌های زندگی یکی از پیشنهادات کلیدی این رساله است، زیرا این نوع از مهارت‌ها می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا به‌طور موثرتری با چالش‌های زندگی مواجه شوند و از مسیرهای بزهکارانه منحرف شوند. این برنامه‌ها، مهارت‌های متنوع و متعددی را شامل می‌شوند که به دانش‌آموزان توانایی‌های لازم برای مدیریت احساسات، خودکنترلی، برقراری روابط سالم و حل مشکلات خود را می‌دهند. در ادامه، توضیحات بیشتری در خصوص این مهارت‌ها ارائه می‌شود:

#### برگزاری جلسات و کارگاه‌های آموزشی برای والدین

برگزاری جلسات و کارگاه‌های آموزشی برای والدین در مدرسه یا هر فضای دیگر یکی از راهکارهای مؤثر در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان است. این کارگاه‌ها می‌توانند والدین را با اصول تربیتی و روان‌شناختی بیشتر آشنا کرده و آنها را در شناسایی و پاسخ به نیازهای بنیادین عاطفی و رفتاری فرزندان‌شان کمک دهند. آموزش‌هایی مانند نحوه ارتباط مؤثر، مدیریت هیجانات، و تقویت اعتماد به نفس فرزندان به والدین کمک خواهد کرد تا با علم و دقت بیشتری به تربیت فرزندان خود بپردازند. یکی از مباحث مهم این جلسات، آموزش شیوه‌های درست برای مواجهه با رفتارهای نامناسب کودکان و ایجاد انضباط مثبت است؛ رویکردی که به جای تمرکز بر تنبیه، رفتارهای مثبت را تقویت می‌کند. این جلسات همچنین به والدین کمک می‌کند تا از اثرات منفی محیط‌های ناسالم آگاه شوند و یاد بگیرند چطور این تأثیرات را از فرزندان خود دور کنند.

کارگاه‌های آموزشی برای والدین فضایی فراهم می‌کنند که والدین بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و تجربیات و چالش‌های تربیتی خود را به اشتراک بگذارند. در این کارگاه‌ها، والدین با روش‌های تشویق و حمایت آشنا می‌شوند که به آنها کمک می‌کند فرزندان خود را به ادامه تحصیل ترغیب کرده، مهارت‌های اجتماعی‌شان را

تقویت کنند و حس مسئولیت‌پذیری را در آنان پرورش دهند. استمرار این جلسات می‌تواند نقش خانواده‌ها را در پیشگیری از بزهکاری فرزندان‌شان افزایش دهد و موجب ارتباطی قوی‌تر و حمایتی‌تر میان والدین و مدارس شود.

### وضع و اجرای سیاست‌های کیفری مبتنی بر رویکردهای حمایتی به جای تکیه صرف بر اقدامات سرکوبگرانه

در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، سیاست‌های کیفری به‌طور کلی به دو دسته‌ی سرکوبگرانه و حمایتی تقسیم می‌شوند. سیاست‌های سرکوبگرانه بیشتر بر مجازات و اعمال قهر متمرکز است و هدف آن بازدارندگی از طریق تشدید مجازات‌ها برای مهار جرایم است. این رویکرد به‌ویژه در مقابله با جرایم سنگین و تهدیدات جدی علیه امنیت عمومی به کار گرفته می‌شود؛ با این حال، اثرات آن عمدتاً در کوتاه‌مدت مؤثر است و می‌تواند در بلندمدت، زمینه‌ساز بازگشت بزهکاران به جرم باشد. در مقابل، سیاست‌های حمایتی که در جرم‌شناسی به‌عنوان راهبردی مؤثرتر در پیشگیری از بزهکاری شناخته می‌شوند، به جای تمرکز صرف بر تنبیه، به اصلاح و بازپروری بزهکار و بازگرداندن او به جامعه توجه دارند. این رویکرد بر این فرض استوار است که بسیاری از بزهکاران به دلیل شرایط نامساعد اجتماعی، خانوادگی یا اقتصادی مرتکب جرم شده‌اند و با ارائه حمایت‌های اجتماعی، روانی و حرفه‌ای می‌توان از بازگشت آنان به مسیرهای نادرست جلوگیری کرد. این سیاست‌ها به‌جای سرکوب، به تقویت انگیزه‌های درونی و اصلاح رفتارهای مجرمانه می‌پردازند. برای نمونه، سیاست‌های حمایتی شامل برنامه‌های توانمندسازی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ایجاد فرصت‌های اشتغال برای بزهکاران می‌شود که به آن‌ها در مسیر بازگشت به زندگی سالم یاری می‌رساند.

هدف اصلی این رویکرد در حقوق کیفری کاهش آسیب‌های ناشی از فرایند کیفری و جلوگیری از تبدیل زندان‌ها به کانون‌های جرم‌آفرینی است. پژوهش‌های جرم‌شناسی نشان داده است که سیاست‌های سرکوبگرانه، به‌ویژه در جرایم سبک، ممکن است موجب تشدید گرایش به جرم و حتی حرفه‌ای شدن بزهکاران شود.

در این میان، رویکردهای حمایتی، با تمرکز بر اصول عدالت ترمیمی، تلاش دارند از چرخه‌ی تکرار جرم پیشگیری کرده و بزهکاران را به مسیر بازاجتماعی شدن و اصلاح هدایت کنند. این نوع سیاست‌ها به کاهش هزینه‌های نظام کیفری و ارتقای امنیت اجتماعی کمک می‌کند و در بلندمدت راهکاری مؤثر برای پیشگیری از بزهکاری فراهم می‌آورد. در مجموع، ترکیب هوشمندانه‌ی سیاست‌های حمایتی و سرکوبگرانه، بسته به نوع جرم و وضعیت بزهکار، می‌تواند به راهبردی کارآمدتر و پایداری‌تر در کاهش جرم و بزهکاری بینجامد.

## منابع

ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، تهران: نشر میزان.  
پیوندی، غلامرضا. (۱۳۹۰). حقوق کودکان، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

زینالی، امیر حمزه. (۱۳۸۸). جهانی شدن اصل حمایت ویژه از کودکان، رفاه اجتماعی، ۹(۳۵)، ۵۱-۸۷

زینالی، حمزه. (۱۳۸۱). پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران. رفاه اجتماعی، ۲(۶)، ۹۷-۱۲۴. SID. <https://sid.ir/paper/56382/fa>

صالحی، کریم؛ ونکی، احمدرضا؛ نقدی دورباطی، مریم. (۱۳۹۹). آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی سیاست جنایی تقنینی در قبال رشد جزایی در حقوق کیفری ایران. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۴)، ۲۲۱۹-۲۲۳۶.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۵). فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات بهنشر. منصورآبادی، عباس؛ ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۷). تحولات مدیریت پیشگیری از جرم، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، ۳(۸)، ۷-۳۴.

-عبدالله جبر الجعيفرى، حيدر، اشرفى مهابادى، محمود، جميل الموسوى، باسم، حيدرى، مسعود. ساز و کار استفاده از ابزارهای بازجویی در نظام حقوقی و سیاسی عراق. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1403 ،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.477763.1075>

-عبدالله جبر الجعيفرى، حيدر، اشرفى مهابادى، محمود، جميل الموسوى، باسم، حيدرى، مسعود. مطالعه تطبیقی سیاست‌ها و روش‌های نوین بازجویی و ارزیابی مشروعیت ادله حاصل از آن در حقوق کیفری ایران و عراق. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1403 ،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.484559.1105>

استناد:

محمدی فارسانی، ایمان، مالمیر، محمود، اشرفی، محمود، حیدری، مسعود.  
سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال پیشگیری مدرسه محور از  
بزهکاری. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1404 ،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.503260.1242>